

**designing and developing a paradigmatic model for
Iranian sustainable national security within the framework
of good governance: A grounded theory approach**

Toktam nabizadeh shahri ¹

Mohammad tohid fam²

ABSTRACT

Good governance has emerged as one of the most significant topics in political science over the past few decades, with a strong connection to national security. government, as key players in the international system, prioritize national security- particularly its sustainability- because it reflects their ability to survive as independent political entities on the global stage while maintaining effective governance at home.

The central question in this research is: ‘what factors and components contribute to achieving sustainable security within the framework of good governance? Since this is an exploratory study using continuous data collection and follows an interpretive constructivist paradigm, it does not aim to test a hypothesis. Instead, the researcher uses qualitative data analysis through grounded theory, utilizing MAXQDA 2022 software to identify and evaluate key dimensions, components, and categories. The findings are then synthesized into a proposed

¹ PhD student in Political Science, Iranian issue, Islamic Azade university, central Tehran branch Tehran, Iran

nabizadeht@yahoo.com

Assistant Professor Azade university, central Tehran branch Tehran, h, Tehran, Iran

Tohidfam_m@yahoo.com .

paradigmatic model for good governance. The study was conducted using purposive sampling, with semi- structured interviews held with 25 experts and academics until theoretical saturation was reached. During the open coding phase ,254 initial codes were identified, and through selective coding around the central theme, the concepts and categories were continuously compared and refined, leading to 46 concepts summarized into seven dimensions.

The main goal of this article is to propose a practical paradigmatic model that highlights the key requirements and factors involved in creating sustainable national security under the framework of good governance.

Keywords: national security, sustainable security, good governance, paradigmatic model, grounded

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

Knowledge of political interpretation

Vol 6, No 21, Autumn 2024

ppt 71-96

دانش تفسیر سیاسی

سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۳

صفحات ۷۱-۹۶

طراحی و تبیین مدل پارادایمی امنیت ملی پایدار در چارچوب حکمرانی خوب با رویکرد نظری داده بنیاد

تکتم نبی زاده شهری^۱

محمد توحید فام^۲

چکیده

حکمرانی خوب از مهم ترین موضوعاتی است که در چند دهه اخیر در علم سیاست مطرح شده و ارتباط وثیق و تنگاتنگی با امنیت ملی دارد. دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل، توجه خاصی به امنیت ملی و به‌ویژه پایدار خود دارند؛ چرا که این امر منعکس‌کننده توانایی بقای آن‌ها به مثابه واحدهائی مستقل و سیاسی در عرصه جهانی و دارا بودن حکمرانی خوب در داخل است. پرسمان اساسی در پژوهش حاضر بدین ترتیب صورتبندی می‌شود که «چه عوامل و مؤلفه‌هایی سبب‌ساز شکل‌گیری امنیت پایدار در چارچوب و پرتوی حکمرانی خوب می‌گردد؟». با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع اکتشافی مستمر داده‌ها و پارادایم غالب تفسیری-برساختی می‌باشد، بنابراین، این پژوهش فرضیه‌آزما نبوده و محقق با تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به روش

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسایل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Nabizadeht@yahoo.com

^۲ محمد توحید فام استاد تمام دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

نظریه پردازی داده بنیاد در نرم افزار مکس کیودا (MAXQDA 2022)، ابعاد، مؤلفه ها و مقوله های قابل توجه را احصاء نموده و ضمن ارزیابی و تجمیع یافته ها، مدل پارادایمی مورد نظر را در خصوص امنیت ملی پایدار در پرتوی حکمرانی خوب ارائه می نماید. این پژوهش با استفاده از روش هدفمند قضاوتی، با ۲۵ نفر از اساتید و خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری با ابزار سنجش مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد؛ که در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۲۵۴ کد اولیه شناسایی شد و در مرحله کدگذاری انتخابی، کدگذاری پیرامون مقوله محوری از طریق مقایسه مستمر، مفاهیم و مقولات پژوهش صورت گرفت و ۴۶ مفهوم در ۷ بعد جمع بندی شد. هدف اصلی این نوشتار ارائه مدلی پارادایمیک و کارآمد است تا بتواند نقش الزامات و عوامل مختلف را در تولید امنیت ملی پایدار در پرتوی حکمرانی خوب نشانه برود.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، امنیت پایدار، حکمرانی خوب، مدل پارادایمی، نظریه پردازی، داده بنیاد.

طرح مسئله

امنیت در ادوار مختلف تاریخ، همواره به عنوان یکی از مهمترین نیازهای بشر مطرح بوده و اتباع نیز تأمین و تضمین آن را زیر بنایی ترین وظیفه و انتظار از حاکمیت دانسته‌اند. امنیت ملی در مفهوم رایج و سنتی خود با قدرت نظامی و توان دفاعی در مقابل تهدیدات خارجی مترادف بوده است؛ اما امروزه این انتظار و وظیفه دامن‌های وسیع‌تر از گذشته گرفته و نه تنها گستره آن از بُعد نظامی فراتر رفته، بلکه سایر جنبه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی را نیز شامل شده است.

در زمینه خاستگاه تهدیدهای امنیت ملی که قبلاً خارجی قلمداد می‌شد، امروزه بسیاری از تهدیدهای امنیت ملی دارای خاستگاه داخلی ارزیابی می‌شوند. به علاوه، امروز امنیت ملی تک‌بعدی نظامی جای خود را به تحلیل‌های چندوجهی و متکثر داده است، با این توضیح که تهدیدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نه تنها در زمره تهدیدهای امنیت ملی و هم‌سنگ با تهدیدهای نظامی قرار گرفته‌اند، بلکه در منظومه تهدیدهای امنیتی از جایگاهی محوری برخوردار شده‌اند. به عبارت دیگر، به موازات توسعه مفهومی امنیت ملی، تهدیدها نیز متنوع و موسع شده و اموری که باید صیانت و حفاظت شوند بسیار بیشتر از گذشته شده است. به باور ماندل، در حالی که در گذشته برخی فکر می‌کردند امنیت ملی فقط بر حفاظت از دولت متمرکز است، پس از جنگ سرد، چیزهایی که انتظار می‌رود حفاظت شوند، خیلی گسترش یافته است، مثل حمایت از شیوه زندگی شهروندان، اکوسیستم جهانی و غیره (ماندل، ۱۳۷۷، ص ۵۲۰). چنین بازاندیشی در تعریف امنیت و مشتمل نمودن آن بر عناصر جدید به گونه‌ای که ثقل تهدیدهای درون‌زای غیرنظامی امنیتی بیش از تهدیدهای برون‌زای نظامی گردد و راه تهدیدزدایی نیز از طریق اقدامات نرم و تحول شیوه‌های حکمرانی و تقویت قابلیت

سیاست‌گذاری حکومت‌ها میسر شود، با تحول مفهومی حکومت به حکمرانی خوب مقارن شده است.

اصطلاح حکمرانی خوب نشانه‌ی تغییر پارادایم نقش حکومت است و این‌که اولویت‌های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزاء گوناگون یک جامعه تحقق پیدا می‌کند و به نوعی زمینه‌سازی برای امنیت ملی پایدار است (Abdellatif, 2003, pp.3-5). یکی از پیش‌شرط‌های اساسی حکمرانی خوب وجود امنیت و به‌ویژه امنیت پایدار می‌باشد. امنیت همان‌طور که اصطلاحاتی نظیر احتمال بقا، احتمال تصدیق و شانس تأیید خود و احتمال مشارکت درک می‌شود، صحبت کردن در مورد شیوه‌های حکمرانی خوب بدون امنیت پایدار زائد است، زیرا حق اساسی زندگی تأمین و تضمین نمی‌شود. امنیت زمانی تأمین می‌شود که نیازهای اصلی انسان به طریق صحیح و منطقی برآورده شود. در صورت عدم تحقق نیازهای انسان، ناامنی ایجاد می‌شود. از طرفی هدف حکمرانی خوب رضایت شهروندان است و این امر در صورتی حاصل می‌شود که نیازهای ایشان به صورت صحیح تأمین شود. پیام اصلی حکمرانی خوب، این است که امنیت پایدار یک کشور صرفاً براساس سازوکارهای مکانیکی و اقتدارآمیز حاصل نمی‌شود؛ بلکه برای حصول امنیت پایدار می‌بایست فرایند تصمیم‌گیری در سطوح خرد و کلان کشور منعکس‌کننده‌ی اداره ملت باشد.

بدیهی است که، متغیرهای متعدد و متنوعی توانایی تأثیرگذاری بر امنیت ملی را در ابعاد مختلف دارند. در اعصار پیشین که امنیت ملی را با قدرت نظامی مترادف می‌دانستند، تهدیدات خارجی و توان مقابله با آنرا صرفاً کافی قلمداد می‌کردند؛ ولی در عصر جدید متغیرهای گوناگونی امنیت ملی را دستخوش دگرگونی قرار می‌دهند. یکی از مهمترین این متغیرها، میزان کارآمدی نظام سیاسی در جهت تأمین و تضمین امنیت پایدار است که در اصطلاح از آن به عنوان شرایط حکمرانی یاد می‌شود. و شرایط حکمرانی در حالتی مطلوب و خوب است که نگاه جامع به تمام ابعاد جامعه داشته باشد.

به نظر می‌رسد که تحقق امنیت پایدار به مثابه رویکردی همه گیر و مردم محور تحت تأثیر نقش دولت در تأمین حکمرانی خوب قرار می‌گیرد. در واقع این موضوع در شرایطی که حکمرانی خوب در چارچوب شاخصهای بسترهای لازم را برای بهبود شرایط امنیت پایدار فراهم می‌کند، بیشتر به چشم می‌خورد. چه این که در الگوی حکمرانی خوب دولت سعی در تسهیل فضایی مفید در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بخش خصوصی، شغل، درآمد، محیط زیست به همراه تعاملات سیاسی و اجتماعی دارد که در نتیجه نقش بسزایی در تحقق امنیت ملی پایدار دارد.

حال با توجه به آنچه مطرح شد، پرسمان اساسی در پژوهش حاضر بدین ترتیب صورتبندی می‌شود که «چه عوامل و مؤلفه‌هایی سبب سازِ شکل‌گیری امنیت پایدار در چارچوب و پرتوی حکمرانی خوب می‌گردد؟». با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع اکتشافی مستمر داده‌ها می‌باشد، بنابراین، این پژوهش فرضیه‌آزما نبوده و محقق طی مطالعه متون و انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته و کدگذاری (۳ مرحله‌ای) و در نهایت پی‌کشف و شناخت مقوله‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با امنیت ملی پایدار در چارچوب حکمرانی خوب می‌باشد. هدف اصلی این نوشتار ارائه مدلی پارادایمیک و کارآمد است تا بتواند نقش مؤلفه‌ها، الزامات و عوامل مختلف را در تولید امنیت ملی پایدار در پرتوی حکمرانی خوب نشانه برود.

۲. چارچوب نظری

پیکره‌ی نظری این پژوهش بر دو مبنای نظری استوار شده است؛ یکی، امنیت ملی پایدار؛ و دیگری، حکمرانی خوب. درواقع، پرسمان پژوهش، راهنمای پژوهشگر در انتخاب مبانی نظری بوده است.

۱,۲) امنیت ملی پایدار

امنیت ملی، مفهومی است که پس از تأسیس دولت‌های ملی مورد استفاده قرار گرفته است. به‌رغم استفاده گسترده از این مفهوم در متون علوم سیاسی، به دشواری می‌توان تعریف واحدی برای آن در نظر گرفت؛ به‌ویژه آن‌که در دهه‌های اخیر، مفهوم امنیت ملی و سیاستگذاری برای آن شاهد تحولات زیادی بوده است. از نظر باری بوزان، امنیت مفهومی اساساً مجادله‌آمیز است که یکی از ویژگی‌های آن «مناظرات و مجادلات غیرقابل حل در مورد معنا و کاربست آن است» (بوزان، ۱۳۸۹، ص ۴۰). بر همین اساس درباره مفهوم امنیت ملی ابهام حتی بیشتر است. واضح است که ارائه تعریفی واحد از امنیت ملی نیز بسیار مشکل باشد، چرا که تعریف امنیت ملی در دوره‌های زمانی مختلف، متفاوت بوده است.

در خلال تحولات مذکور، نظریه‌های سراسر و بسیط که امنیت ملی را در مؤلفه‌هایی محدود تعریف می‌کردند، جای خود را به تعاریفی دادند که بر پیچیدگی و چندوجهی بودن این مفهوم تأکید داشته و در تعیین مختصات امنیت و سازوکار برقراری آن، برای شهروندان و جامعه نیز نقشی همسنگ دولت ملی قائل شده‌اند. برای نمونه، مکتب کپنهاک از جمله نظریه‌هایی است که امنیت را از انحصار مؤلفه‌های نظامی درآورده و ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و انسانی را نیز لحاظ کرده است. در این رویکرد، هرچند دولت کماکان مرجع و کارگزار امنیت است، اما امنیت و تهدیدهای مرتبط با آن به حوزه دولت محدود نمانده است. از همین‌رو، در این رویکرد، تأکید می‌شود که مطالعات مربوط به امنیت، حوزه‌های گسترده‌تر از دولت را پوشش می‌دهند (همان).

تغییر پارادیم‌های امنیتی و توجه به نقش افراد و منابع انسانی کشورها در حوزه امنیت پس از پایان جنگ سرد مورد توجه قرار گرفت. در رویکردهای جدید، به تبع بروز یا تشدید بحران‌های اقلیمی (گرم‌شدن هوا و آلودگی محیط زیست) و نیز جنبش‌های مرتبط با آنها، معضلات بهداشتی و بیماری‌های واگیر (همانند ایدز)، جریان‌های

جمعیتی (نظیر مهاجرت‌های گسترده) و... امنیت جوامع و امنیت انسانی هم‌ارز یا مهم‌تر از امنیت دولت‌ها تلقی شد (Westermeyer, 2013, pp. 54-55). کراهمان به‌عنوان یکی از نخستین کسانی که مفهوم «حکمرانی امنیتی» را در مقاله «مفهوم‌سازی حکمرانی امنیتی» (Krahmann, 2003, pp. 5-21) به کار برده است، در تعریفی که با نظریه‌های کلاسیک و سنتی تفاوت‌هایی اساسی دارد، نقش بسیط و سراسر دولت را از تأمین‌کننده انحصاری امنیت در مقابل سایر دولت‌ها، به سازمان توانمندساز، مقررات‌گذار و استفاده‌کننده از نهادهای غیردولتی تغییر داده است (به نقل از: صادقی جقه، ۱۴۰۰، ص ۷۲).

به عقیده صاحب‌نظران، اساسی‌ترین عامل دگرذیسی مفهومی امنیت ملی از امنیت صرفاً نظامی به امنیت چندبعدی، توجه به ماهیت رخداد‌های ساختاری نظام بین‌المللی، به‌ویژه پایان جنگ سرد و زوال نظام دوقطبی و ظهور بازیگران نوین فراملی و فروملی است که باعث شد نقش قدرت نظامی به عنوان اصلی‌ترین عامل تأمین امنیت ملی تنزل یابد و دولت‌ها برای برخورداری از امنیت ناگزیر از توسل به مؤلفه‌های دیگر شوند. به نظر رابرت ماندل تغییرات فراگیر در صحنه بین‌المللی باعث کاهش حاکمیت ملی، افزایش وابستگی متقابل جهانی، بالارفتن کشمکش‌های بی‌نظم و هرج‌ومرج‌گونه، کاهش فزاینده کنترل حکومت‌ها بر تحولات و رخداد‌های درون‌مرزی خود، افزایش نقش بازیگران فروملی غیردولتی، نفوذپذیری مرزهای ملی و تسهیل جریان افکار و عقاید، کالاها و خدمات، دشوارتر شدن صیانت از راه و روش زندگی خاص ملی و محلی، مشکل شدن تحقق خوداتکایی ملی، ابتنای قدرت کشورها بر عنصر فناوری، افزایش منازعات قومی و منازعات کم‌شدت، و غیره شده است. از دیدگاه وی، تحولات یادشده ضرورت باز تعریف، تحلیل و مدیریت امنیت ملی را محرز ساخته و صاحب‌نظران را بدین نتیجه رساند که برداشت تنگ‌نظرانه از امنیت ملی که فقط بر تهدیدهای نیروی نظامی خارجی تمرکز کند، جوابگوی پیچیدگی‌های معماهای دفاع در جهان امروز نیست (ماندل، ۱۳۷۷، صص ۲۶-۵۱).

امنیت ملی پایدار در پی تردید در هدف بودن امنیت به معنای وادارسازی، ظهور نمود. پس از پایان جنگ جهانی دوم و مستقل شدن بسیاری از مستعمرات، کشورهای جهان سوم در صدد رفع بحران ناشی از کمبود قدرت برآمدند. در این راستا، جنگ همه بر علیه هم [جنگ هابزی] به جنگ دولتها علیه هم [کلاوزویتسی] تبدیل شد. نظریه پردازان مطالعات امنیتی که همواره خواهان ظهور دولت مقتدر بودند و امنیت را در مصونیت سرزمینی از تجاوز دیگری معنا می کردند، رفته رفته و از اواخر دهه ۱۹۸۰، به این نتیجه رسیدند که خود دولت، یکی از منابع اساسی ناامنی است و از استعداد و ابزارهای شگفتانگیزی برای تحدید و تهدید جامعه برخوردار است. از این رو، امنیت ملی دولت محور [در نگرش کلاسیک رئالیستی و حتی تعبیر نئورئالیستی]، در مقابل مرجعیت و محوریت جامعه در تثبیت و تعمیق امنیت رنگ باخت و گفتمانی پدید آمد که در پرتو آن:

اولاً، مرجع امنیت از حاکمیت و قدرت دولت گذر کرد و دولت به کارگزار و وسیله تدارک امنیت برای جامعه تغییر نقش داد.

ثانیاً، تولید امنیت صرفاً شرط لازم پایداری اجتماعی و صلح عادلانه قلمداد شد و در کنار آن، از شرط کافی ثبات یعنی توزیع سطوح مختلف امنیت (سیاسی، زیست محیطی، جامعه ای و اقتصادی) در بین افراد و گروه های متعدد اجتماعی سخن رفت.

ثالثاً، در پارادایم نوین امنیتی، اعضای جامعه و ادراک و برداشت افراد در مقابل دغدغه های طبیعی و برنامه دار صیانت می شود و امنیت به جای سمت گیری کنترلی، دستورالعملی و از بالا، روند ترغیبی (به جای کنترل)، غیررسمی (به جای بخشنامه ای) و ناملموس یافت و از لایه های پایین جامعه نشأت گرفت (Krause and Williams, 1996, pp. 231-232 به نقل از عباس زاده و کرمی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

رابعاً، در امنیت ملی پایدار، فرض بر آن است که دولت-کشور از نخستین و اصلی‌ترین دغدغه، یعنی بقا خلاص یافته و می‌تواند در اندیشه بالندگی و تدارک مخزن مفهومی غنی‌تری برای انطباق‌پذیری (با گفتمان‌های جاری) و گفتمان‌سازی (در مقابل گفتمان‌های رقیب) باشد. در فراگرد جدید، نگهبانی ارزش‌های اساسی یا حیاتی کشور-ملت فقط به نظامیان و مؤسسات امنیتی سپرده نمی‌شود، بلکه پتانسیل آنها برای تکثیر مؤلفه‌های امنیت ملی پایدار (مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری به جای تصلب و سیالیت، رهایی‌بخشی، شبکه‌مندی اخلاقی در مقابل دغدغه‌ها و ناهنجاری‌ها)، مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان:ص ۳۸).

بنابراین، بر خلاف مورگنتا و اصحاب مکتب کلاسیک در مطالعات امنیتی که امنیت را در نبود جنگ و صیانت از تمامیت سرزمینی و نهادهای سیاسی خلاصه می‌کردند و به نوعی به امنیت ملی حداقلی اکتفا می‌نمودند، در امنیت ملی پایدار، از وجود تمامیت ارضی و نهادهای سیاسی به مرحله بالاتر یعنی اراده، مهارت و ضرورت ارتقای رضایت ساکنان سرزمین و نیز کارآمدی نهادهای سیاسی و غیرسیاسی توجه می‌شود. در این برداشت، همه کارگزاران امنیتی و غیرامنیتی، حتی‌الامکان امنیتی‌زدایی می‌شوند تا امنیت مورد نیاز جامعه را تولید کنند. بدیهی است چنین نگرشی در پی فربه‌شدن فوق‌العاده نظامیان و خطر نظامی‌گری پدید آمد؛ بدین مضمون که در پرتو امنیتی شدن سراسری دولت-جامعه، هزینه‌های سنگین و غالباً پنهان نظامی سبب تراکم فشار اقتصادی و در نتیجه، بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی و فراموش شدن زندگی عادی افراد جامعه شد (Moller, 2000). به نقل از عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰، ص ۳۹).

۲،۲) مفهوم حکمرانی خوب

تعریف مفاهیم در علوم اجتماعی خود تابعی از جریان رو به گسترش دانش است. تغییرات علم و به دنبال آن نارسایی‌هایی که تعریف‌های قبلی را مشخص می‌کند،

گاه رسیدن به یک مفهوم جامع را دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد. مفهوم «حکمرانی» تازه نیست. این مفهوم به قدمت تمدن بشر است. از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی (KUBERNAN) به معنای هدایت یا اداره کردن بر می‌گردد که توسط افلاطون در ارتباط با نحوه طراحی نظام حکومتی مورد استفاده قرار گرفته است. این کلمه که از واژه انگلیسی (Governance) اقتباس شده، در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، راهبری و حکمرانی تعریف شده است (حق‌شناس، ۱۳۷۹، ص ۶۸). در فرهنگ لغت آمریکایی هیرتیج حکمرانی به عنوان فعالیت یا روش حکم راندن با دولت معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان براساس نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. کسانی مانند لاندال، میلزو و راجدنی حکم راندن را «چگونگی اداره و تنظیم امور دولت» معنا کرده‌اند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴).

حکمرانی خوب به دلیل جدید بودن آن با تعبیر و تفسیرهای متفاوتی روبه‌رو است. حکمرانی خوب از پیوند بین سیاست و اداره کردن جامعه به وجود آمده است. در حکمرانی هدف ما افزایش کارآمدی یک نظام سیاسی برای اداره‌ی جامعه است. در علم سیاست موضوع اصلی قدرت حکومت است ولی در حکمرانی موضوع اصلی بهتر اداره کردن جامعه است با پشتوانه قدرت دولت. رشته‌ی حکمرانی خوب به عبارت بهتر از ترکیب علوم سیاسی و مدیریت دولتی به وجود آمده است. در حکمرانی خوب توانایی دولت‌ها برای انجام سیاست‌ها مدنظر می‌باشد؛ البته سیاست‌هایی که وضع جامعه را از هر نظر بهتر می‌گرداند. حکمرانی خوب در واقع به چگونگی اداره‌ی جامعه توسط دولت‌ها می‌پردازد. بنابراین تعامل و نفوذ دولت‌ها در جامعه و چگونگی سازمان‌دهی و اداره‌ی جامعه در حکمرانی مدنظر است. مفهوم «حکمرانی مطلوب یا حکمرانی خوب» اصولاً در منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل ایجاد شده و در سایه حمایت‌های سازمان ملل متحد پرورش یافته است (قلی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۸۵). مقوله حکمرانی خوب همچنین نشانگر تغییر

پارادایم نقش دولت، حکومت و همچنین شراکت دولت و نیروهای اجتماعی در تصمیم‌گیری است؛ به نوعی صدای همه مردم هنگامی که تصمیم‌هایی گرفته می‌شود و منابع تقسیم می‌شوند به گوش می‌رسد. حکمرانی خوب دارای دو زمینه اجتماعی و سیاسی است. در زمینه اجتماعی هدف اصلی، حضور هماهنگ نیروهای اجتماعی در عرصه سیاست‌گذاری عمومی و برقراری عدالت اجتماعی است. در زمینه سیاسی که خود بر دو قالب حقوقی با خصوصیات و شخصیت توسعه‌آفرین دولت و قالب مدیریتی با نقش‌آفرینی راهبردی و کیفی است که در جهت تحکیم دموکراسی عمل می‌کند (Azeez, 2012, p.6).

مفهوم حکمرانی؛ در معنای گسترده عبارت است از اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اداری به منظور مدیریت امور ملت و نیز اعمال کنترل جامعه در رابطه با مدیریت منابع خود به هدف توسعه همه‌جانبه (World Bank, 1997). در مفهوم‌پردازی وسیع، حکمرانی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و مدیریتی معنی شده است. در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، مفهوم حکمرانی خوب را توسعه دادند تا شامل عناصر جدید مثل مشارکت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی گردد. در امتداد توسعه مفهومی در سال ۲۰۰۰ میلادی، مؤلفه جدیدی بدان اضافه شد و از تأکید بر حکومت و نهادهای حکومتی صرف فراتر رفت و شامل بخش خصوصی و سازمان‌های غیرحکومتی نیز شد. به علاوه، متعاقب بحران‌های مالی پایان دهه ۱۹۹۰ میلادی، عنصر دیگری بدین عناصر تحت عنوان پیش‌بینی‌پذیری نیز اضافه شد که به نوبه خود باعث پیشرفت‌هایی در شبکه‌های مالی و حکمرانی شراکتی گردید.

مفهوم حکمرانی خوب هم از ناحیه دانشگاهیان و هم سازمان‌های بین‌المللی، البته با برخی تفاوت‌ها در مسائل مورد تأکید، تعریف شده است؛ با این تفاوت که تعاریف دانشگاهیان بیشتر بر عنصر مشروعیت سیاسی به مثابه متغیر مستقل تأکید می‌نهد. با توجه

به این عنصر حکمرانی هدایت مستمر ساختارهای رژیم با نگاه به ارتقاء و تقویت حوزه عمومی و با هدف نیل به توسعه سیاسی تعریف شده است. از این زاویه، جنبه‌های متنوع دموکراسی مانند انتخابات، سیستم نمایندگی، کثرت‌گرایی، مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری، تمرکززدایی سیاسی، برخورداری از آزادی‌های مدنی، مشروعیت دولت، ارتقای سطح جامعه مدنی مشروعیت دولت، ارتقای سطح جامعه مدنی و مانند آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جف هاتر و انور شاه، شاخص‌هایی نظیر مشارکت شهروندان شامل آزادی سیاسی، ثبات و پایداری سیاسی، دولت‌محوری شامل کارآیی قضایی، کارآمدی اداری و فساد کم، توسعه اجتماعی شامل توسعه انسانی و توزیع عادلانه درآمد و مدیریت اقتصادی شامل نگاه به بیرون، استقلال بانک مرکزی و برگشت سود نسبت به نرخ درآمد ناخالص داخلی را برای حکمرانی خوب معرفی کرده‌اند و معتقدند در جامعه، به هر میزان در دستیابی به شاخص‌های یادشده موفقیت حاصل شود، آن جامعه به همان میزان به حکمرانی خوب نزدیک خواهد شد (Huther and Shah, 1993). در همین راستا، جان هیلی و مارک رابینسون در تعریف حکمرانی خوب آورده‌اند: حکمرانی خوب بر سطحی از اثربخشی سازمانی در خصوص اجرای سیاست‌هایی که عملاً در حوزه سیاست اقتصادی و کمک آن به رشد، ثبات و رفاه عمومی دنبال می‌شود، دلالت دارد و شامل خصیصه‌هایی مثل پاسخ‌گویی، شفافیت، مشارکت، آزادسازی و حاکمیت قانون می‌شود (World Bank, 2000, p. 12).

بانک جهانی حکمرانی خوب را به‌عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که با آنها قدرت به‌منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و مشتمل بر سه مؤلفه می‌باشد: ۱- فرایندی که صاحبان قدرت از طریق آن انتخاب می‌شوند، بر آنها نظارت می‌شود و سرانجام تعویض می‌شوند. دو شاخص «حق اظهارنظر» و «پاسخگویی» و همین‌طور «ثبات سیاسی» ذیل این مؤلفه قرار می‌گیرند. ۲- مؤلفه دوم ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست است و دو شاخص

«اثر بخشی دولت» و «کیفیت قوانین و مقررات» را دربر می گیرد. ۳- احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آن‌ها را اداره می کنند، مؤلفه دیگری است که شاخص «حاکمیت قانون» و «مهار فساد» در آن جای می گیرد (صحرائی و محمودی‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۱۰). بنابراین یک مبنای اساسی برای تعیین ویژگی‌های حکمرانی خوب شاخص‌های هشت‌گانه‌ای است که در برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و بانک جهانی مطرح شده است. این شاخص‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- مشارکت، ۲- حاکمیت قانون، ۳- شفافیت، ۴- مسئولیت‌پذیری، ۵- اجماع‌سازی، ۶- عدالت و انصاف، ۷- کارایی و اثربخشی، ۸- پاسخگویی (World Bank, 2019). از مجموع تعاریف مختلف فوق‌الذکر در خصوص حکمرانی خوب، شاخص‌های زیر قابل استخراج است که محقق آن‌ها را در قالب مؤلفه‌های فرایندی، ظرفیتی و نهادی حکمرانی خوب در جدول زیر نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های فرایندی، ظرفیتی و نهادی حکمرانی خوب				
مؤلفه‌های فرایندی	حق اظهار نظر	پاسخگویی	شفافیت	ثبات سیاسی
مؤلفه‌های ظرفیتی	کارآیی دولت	کیفیت مقررات	مسئولیت‌پذیری	اجماع‌سازی
مؤلفه‌های نهادی	عدالت و انصاف	مهار فساد	مشارکت	حاکمیت قانون

۴) پیشینه‌شناسی پژوهش:

درخصوص رابطه حکمرانی خوب و امنیت ملی آثار متعددی نگاشته شده است؛ برخی از این آثار به طور نظری و برخی دیگر به صورت کاربردی به آن پرداخته‌اند. ازجمله چنین نوشتارهایی می‌توان مختصراً به موارد زیر اشاره کرد:

۱- شاه‌محمدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «نسبت حکمرانی و پایداری امنیت ملی جمهوری اسلامی» و با روشی پیمایشی به این نکته اساسی می‌پردازد که میان حکمرانی خوب و پایداری امنیت ملی در جمهوری اسلامی، رابطه‌ای معنادار، مستقیم، متقابل و دوسویه وجود دارد، به گونه‌ای که پایداری امنیت ملی ج.ا.ا، در پایداری حکمرانی خوب در ج.ا.ا، رابطه‌ای مستقیم و دوجانبه دارد.

۲- داراب‌نیا و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه میان شاخص‌های حکمرانی خوب و امنیت انسانی در ایران» با روشی پیمایشی به این نتیجه می‌رسد که میزان ثبات و پایداری رژیم سیاسی و احتمال استمرار حیات آن (۱۷،۷۴) تنش‌های قومی و درگیری‌های داخلی (۱۵،۲۹)، توانایی دولت در سیاست‌گذاری (۱۴،۰۳)، شیوه انتقال قدرت در سطح بالای نخبگان سیاسی (۱۳،۵۴)، وقوع جنگ و بحران‌های فراروی کشورها (13.41)، قابلیت، صلاحیت و شایستگی کارگزاران نظام (۱۳،۲۲) از بین گویه‌های دو شاخص حکمرانی خوب، بیشترین تأثیر را بر امنیت انسانی طی دوره مذکور داشته‌اند.

۳- ملک‌شاهی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «وضعیت حکمرانی خوب و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷» با طرح این سوال که شاخص‌های حکمرانی خوب چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارند؟ فرضیه زیر را مطرح می‌کند: با کاهش شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران، ضریب امنیت ملی نیز کاهش می‌یابد. وی با رویکرد پیمایشی به این نتیجه می‌رسد که این امر حاکی از تأثیرپذیری مستقیم و معنادار امنیت ملی از حکمرانی متعالی است.

۴- بدخشان (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش امنیت پایدار در حکمرانی خوب» و با یک روش توصیفی-تحلیلی در پاسخ به این سوال که نقش امنیت پایدار در حکمرانی خوب چیست؟ معتقد است که شاخص‌های حکمرانی متعالی و ابعاد امنیت پایدار در بسیاری از موارد دارای اثرات متقابل و هم‌پوشانی بوده و ارتقای امنیت پایدار موجب ارتقای حکمرانی به حکمرانی متعالی خواهد گردید و در مقابل ارتقای حکمرانی موجب تقویت و ارتقای امنیت پایدار خواهد شد.

۵- عموزاد خلیلی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر حکمرانی خوب از بُعد سیاسی بر امنیت ملی در بین اقوام با تأکید بر قوم ترکمن» سوالی را مطرح می‌کند که سیاست‌ها و عملکرد هر کدام از دولت‌های جمهوری اسلامی در پرداختن به امور ترکمن‌ها به عنوان یک مسئله مرتبط با امنیت ملی و آثار آن برای مردم مناطق ترکمن‌نشین چگونه بوده است؟ ایشان با روشی توصیفی-تحلیلی به این نتیجه می‌رسند که در منطقه مورد مطالعه ظرفیت‌های لازم سیاسی به سمت الگوی حکمرانی متعالی وجود دارد که با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری درست سیاست‌های قومی در منطقه مورد مطالعه و تمام مناطق قوم‌نشین کشور بر اساس منطق اولیه ساختار حکمرانی متعالی می‌توان امنیت منطقه و در سطح کلان امنیت ملی کشور را تأمین کرد.

۶- عیوضی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار» و با یک روش توصیفی-تحلیلی این موضوع را مطرح می‌کند که حکمرانی خوب روشی برای دستیابی به توسعه توسط بانک جهانی مطرح گردیده، ولی کشورهای مختلف برای اجرای آن با چالش و کاستی‌هایی روبه‌رو شدند. از جمله آن‌که منشاء حکمرانی خوب اقتصاد و توسعه اقتصادی است که حکمرانی پایدار را به عنوان الگویی برای برون‌رفت از کاستی‌های حکمرانی خوب می‌تواند مطرح کند. از ترکیب پارادایم توسعه به عنوان مغزافزار و حکمرانی خوب به عنوان راهکار عملیاتی‌سازی حکمرانی، این الگو شکل می‌گیرد.

۷- کریمی مله (۱۳۹۱) در مقاله «تأملی نظری در نسبت حکمرانی خوب و امنیت ملی» و در نسبت بین دو مفهوم حکمرانی خوب و امنیت ملی به این نتیجه می‌رسد که توسعه مفهومی افقی و عمودی امنیت و گسترش مراجع آن مبین آن است که زمینه‌ها و شرایط عینی که موجب تحول شیوه‌های حکمرانی و برآمدن الگوی حکمرانی خوب بر مبنای توسعه انسانی پایدار شده است به نحو مشابهی با دگردیسی مفهومی امنیت ملی از رویکرد سنتی به امنیت مدرن و پایدار گردیده و این دو ایده را از نظر مفهومی بسیار متقارن و از نظر علمی، ملازم یکدیگر ساخته است.

ارزیابی پیشینه‌های تحقیق و نوآوری: مهم‌ترین وجوه تمایز این پژوهش با آثار قبلی، اولاً در نوآوری روش شناختی آن می‌باشد؛ مساله اصلی این است که هیچ یک از پژوهش‌های فوق تاکنون با روش نظریه داده‌بنیاد انجام نشده است. ثانیاً برخی پیشینه‌ها صرفاً در قابل چهارچوب نظری و از منظر مکاتب مختلف به بررسی حکمرانی خوب و امنیت ملی پرداخته‌اند. ثالثاً در نوآوری نظری و پژوهشی می‌باشد؛ بدین معنا در هیچ کدام از پیشینه‌های تحقیق مذکور، رابطه شاخص‌های حکمرانی خوب و ارائه مدل پارادامیک در خصوص امنیت پایدار مورد مذاقه قرار نگرفته است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۱،۳) **روش پژوهش:** پژوهش حاضر از نوع بنیادی بوده و روش آن ترکیبی از روش توصیفی-تحلیلی و نظریه پردازی داده‌بنیاد می‌باشد. نظریه پردازی داده‌بنیاد، یکی از پرکاربردترین روش‌های تحقیق کیفی است که دارای رویکردهای مختلف روش‌شناسی بوده و هدف اصلی آن بیان فراگردهای اجتماعی و صورت‌بندی و توسعه نظریه می‌باشد (Streubert & Carpenter, 2003)؛ ضمن اینکه رویکردی است انعطاف‌پذیر که می‌تواند با شرایط متفاوت تطبیق داده شود (هومن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). همان‌طور که بنیانگذاران روش نظریه داده بنیاد ذکر کرده‌اند، روش نظریه داده بنیاد «کشف نظریه از

روی داده‌هایی است که به صورت روش‌مند در پژوهش‌های اجتماعی به دست آمده و مورد تحلیل قرار می‌گیرد» (Glaser & Strauss, 1976). نظریه داده‌بنیاد اولین بار توسط گلاسر و اشتراوس در سال ۱۹۶۷ میلادی به جامعه محققین معرفی شد و بعدها توسط کارهای مشترک اشتراوس و کوربین گسترش یافت.

نظریه داده‌بنیاد روشی برای تولید نظریه از مجموعه‌ای داده‌های کیفی است که به صورت «کشف نظریه از داده‌ها» تعریف می‌شود. برپایه این رویکرد، کار اصلی پژوهشگر «کشف» روش‌های جدید برای معنابخشی به دنیای اجتماعی است و هدف از این اقدام، تحلیل و خلق یک نظریه است؛ منظور از خلق یک نظریه، فراهم ساختن چهارچوبی نظری برای درک یک پدیده مورد بررسی است. بر این اساس، می‌توان گفت که نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، اساساً روشی برای تحلیل داده‌هاست، نه تکنیکی برای گردآوری داده‌ها (هومن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). هدف اصلی در این روش ایجاد و تولید یک نظریه جدید در موضوع تحت بررسی است. نظریه داده‌بنیاد یک روش استقرایی است که با جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها، تجزیه و تحلیل همزمان و مقایسه مستمر آن‌ها و برقراری ارتباط منطقی میان داده‌ها صورت می‌گیرد و در پایان، نظریه‌ای جدید را درباره یک پدیده خاص شکل می‌دهد.

هدف از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، توسعه یک نظریه میان‌دامنه، پیچیده و اثربخش است که در داده‌ها ریشه دارد. استفاده رایج و مناسب از این روش در پژوهش‌های اکتشافی و درباره پدیده‌هایی است که دانش نظری کمی درباره آن‌ها وجود دارد (Suddaby, 2006: pp. 633-634). در این روش، نظریه به جای آنکه مبتنی بر مفروضات پژوهشگر پیش از شروع پژوهش باشد، به موازات تحلیل عمیق و تفکر درباره داده‌های به دست آمده از زمینه پژوهش توسعه می‌یابد (طاهری عطار، ۱۳۸۹، صص ۱۴۴-۱۴۵). مراحل اصلی پژوهش براساس راهبرد «نظریه داده‌بنیاد» به شرح زیر است:

۱) گردآوری داده‌های کیفی، ۲) تحلیل داده‌های کیفی، ۳) شکل‌دهی و طراحی مدل (دانایی فرد، ۱۳۹۰، ص ۵۸).

۲،۳) نمونه آماری: مهمترین عنصر این پژوهش افرادی هستند که براساس تجربه‌ی پدیده‌ی مورد پژوهش انتخاب می‌شوند (هومن، ۱۳۸۵، ص ۸۵). نمونه‌گیری در روش نظریه داده‌بنیاد در دو بُعد صورت می‌گیرد. در بُعد اول، نمونه‌گیری از افراد مورد مصاحبه صورت می‌گیرد که عموماً نمونه‌گیری از نوع هدفمند است. اما در بُعد دوم، با نمونه‌گیری نظری مواجه هستیم. در نمونه‌گیری نظری، محققان داده‌ها را تحلیل می‌کنند و از نتایج حاصل از این تحلیل جهت تصمیم‌گیری در خصوص جایگاه بعدی نمونه‌گیری استفاده می‌کنند. این فرآیند را نمونه‌گیری نظری می‌گویند، زیرا نظریه‌ی حاصله سمت‌وسوی گردآوری داده‌ها در آینده را تعیین می‌کند. تعداد نمونه‌ها در این تحقیق ۲۵ نفر بوده است که با استفاده از روش گلوله‌برفی از مصاحبه‌شوندگان خواسته شده است تا افرادی مطلع در رابطه با موضوع تحقیق را جهت انجام مصاحبه‌های بعدی معرفی نمایند. مبنای اتمام مصاحبه‌ها، اشباع نظری بوده است. در این پژوهش اشباع نظری در مصاحبه ۱۷ به وقوع پیوست و محقق برای مطمئن شدن از وقوع آن به تعداد نصف مصاحبه انجام گرفته یعنی ۸ مصاحبه دیگر انجام داد تا از اشباع نظری یقین حاصل نماید.

جدول شماره ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان (اساتید و خبرگان)			
ویژگی	شاخص	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۴	۱۶
	مرد	۲۱	۸۴
تحصیلات	فوق لیسانس	۲	۸
	دکتری	۲۰	۸۰
	فوق دکتری	۳	۱۲

۱۲	۳	کمتر از ۱۰ سال	سابقه کار
۲۰	۵	۱۰ تا ۱۵ سال	
۲۸	۷	۱۵ تا ۲۰ سال	
۴۰	۱۰	بیشتر از ۲۰ سال	

۳,۳) روش گردآوری داده‌ها: داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از مصاحبه‌های فردی نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده‌اند. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به این دلیل مناسب‌اند که نه مانند مصاحبه‌های ساختاریافته دست‌وپای پژوهشگر را در تولید اطلاعات می‌بندند و نه مانند مصاحبه‌های عمیق، اطلاعات بسیار وسیع و گاه غیرضروری فراهم می‌کنند. این نوع مصاحبه، نزدیکی و فاصله هم‌زمان و مناسب را با فضای ذهنی سوژه‌ها ممکن می‌کند. سوال‌ها طوری طراحی شدند که جنبه‌های مختلف موضوع را پوشش دهند.

۳,۴) اعتبارسنجی (پایایی و روایی): یک جزء مهم پژوهش‌ها گزارش روایی داده‌ها و نتایج آن است. در پژوهش‌های کیفی، توجه ویژه‌ای به روایی می‌شود تا تعیین شود آیا اطلاعات ارائه‌شده توسط شرکت‌کنندگان مطالعه، معتبر است. برای تعیین روایی در پژوهش‌های کیفی راهبردهایی وجود دارد. در پژوهش به روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد پس از اتمام مصاحبه‌ها با دست یافتن به اشباع نظری، چند مصاحبه‌ی اضافی انجام می‌شود. این مصاحبه‌ها به عنوان شکلی از تعیین روایی و اعتبار برای الگوها، مفاهیم، طبقات، ویژگی‌ها و ابعادی که محقق از مصاحبه‌های پیشین آورده عمل می‌کنند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۷، صص ۲۲-۲۳). همچنین روایی در این پژوهش با حضور طولانی در محل پژوهش و مصاحبه عمیق و شواهد متعدد و به عبارتی تعامل عمیق و طولانی فراهم می‌شود. اما منظور از پایایی آن است که آیا هر روش خاصی هرگاه چندین بار در مورد موضوع واحدی به کار برده شود، هر بار نتیجه‌ی یکسانی به دست می‌دهد (بی، ۱۳۸۱، صص ۲۷۵-۲۷۴). در پژوهش حاضر تلاش شد پایایی از

مرحله‌ی طراحی پرسش‌های مصاحبه و انجام مصاحبه کنترل گردد و برای حصول اطمینان از پایداری، کلیه‌ی رویه‌های انجام کار مشخص و شفاف باشد. همچنین با بررسی و مدنظر قراردادن سوالاتی درخصوص اعتبار، اصالت، هم‌نوایی و سودمندی پژوهش که در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد پیشنهاد شده است، اعتبار و استواری پژوهش تقویت گردید.

جدول شماره ۳: روایی و اعتبار بر اساس روش لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)	
شاخص	فرایند
اعتبار پذیری	صرف زمان کافی برای پژوهش و تأیید داده‌های مصاحبه‌ها در بازبینی توسط مشارکت کنندگان
انتقال پذیری	اخذ نظر اساتید و خبرگانی که در پژوهش شرکت نداشتند
تأیید پذیری	مستندسازی و حفظ گام‌های پژوهش و مستندات در فرایند پژوهش
قابلیت اعتماد	حفظ و نگهداری کلیه داده‌های خام شامل نکات مهم اسناد، مصاحبه‌ها و تحلیل‌ها در روند پژوهش

۵. یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها قلب راهبرد نظریه داد بنیاد می‌باشد (دانایی فرد، ۱۳۹۰، ص ۶۰). دراصل، روح تحلیل در راهبرد نظریه داده‌بنیاد، نوعی تحلیل مقایسه‌ای داده‌هاست که از آن به مقایسه مستمر تعبیر می‌شود. در راهبرد تحقیق نظریه داده‌بنیاد، تحلیل داده‌ها به‌هم تنیده‌اند و چنین نیست که بعد از پایان مرحله جمع‌آوری به مرحله تحلیل وارد شویم بلکه محقق حین جمع‌آوری داده‌ها، درحال تحلیل داده‌ها نیز می‌باشد و درواقع مسیر کار خطی نیست، بلکه رفت و برگشتی است (دانایی فرد، ۱۳۹۰، ص ۶۹). اما به طور خاص، روش تحلیل داده‌ها در بخش اول تحقیق، براساس راهبرد نظریه داده‌بنیاد، به کدگذاری مشهور است. کدگذاری، روشی اساسی برای مشخص‌سازی طبقه‌های موجود در

داده‌هاست و هدف آن سازماندهی داده می‌باشد. تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر مبنای رویکرد سه مرحله‌ای اشتراوس و کوربین صورت گرفته است. در روش اشتراوس و کوربین محقق پس از احصاء مفاهیم و مقوله‌ها در مراحل مختلف، از الگوی پارادایمی استفاده می‌کند تا یک چارچوب نظری تولید کند. مدل پارادایمی در رویکرد اشتراوس و کوربین، هر طبقه را با بررسی شرایط علی (عواملی که به وقوع پدیده منجر می‌شوند)، شرایط میانجی (شرایطی که از طریق شرایط علی بر پدیده‌ی مورد نظر اثر می‌گذارند) و راهبردهای عمل یا تعاملی (عمل یا تعاملات مشخص که از پدیده‌ی مرکزی نشأت می‌گیرند) بررسی می‌کنند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۷، صص ۲۲-۲۳).

تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شده است. شکل‌گیری مقوله‌ها از طریق فراگرد مقایسه‌ای شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم استخراج و بررسی شده، در کدگذاری باز راهنمای انتخاب مقوله‌های بعدی شدند و این حرکت چرخه‌ای به مرور منجر به پرسش در زمینه روابط میان مقوله‌های ایجادشده گردید و کدگذاری به مرور با شکل‌گیری و غنی شدن مقوله وارد مرحله کدگذاری محوری شد. در این مرحله نکات و یادداشت‌های احصاءشده در کدگذاری باز، پرسش‌ها و ایده‌هایی را در مورد رابطه میان مقوله‌ها فراهم آورد و جهت‌گیری انتخاب به سمت روابط میان مقوله‌ها سوق پیدا کرد.

طبق روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (که در سرفصل متدولوژی تحقیق تشریح گردیده است)، کلیه مستندات جمع‌آوری‌شده درخصوص امنیت پایدار را در نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۲ (یک برنامه نرم‌افزاری برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و ترکیبی به کمک کامپیوتر) درج و با استخراج و کدگذاری مفاهیم قابل توجه، در مجموع ۲۵۴ مفهوم پایه استنتاج (کدگذاری باز) و با دسته‌بندی (خوشه‌بندی) کدهای مشابه و نزدیک به هم ۴۷ مقوله یا مؤلفه قابل توجه (مفهوم یا کدهای جامع‌تر)، استخراج گردید (شاخص‌ها) و با ادامه مقوله‌سازی‌های پی‌درپی مقوله‌های فوق، در مجموع ۷ مقوله کلان یا

بعد احصاء گردید. تعداد مفاهیمی که با اتکای به آن‌ها، عناوین شاخص و مؤلفه تعریف گردیده‌اند، در ستون آورده شده است.

شکل شماره ۱: فرایند مدیریت داده‌ها و تکامل مدل تحقیق در مرحله کدگذاری

مرحله اول: کدگذاری باز: شناسایی ۲۵۴ مفهوم و شاخص



مرحله دوم: کدگذاری محوری: شناسایی ۴۷ مؤلفه



مرحله سوم: کدگذاری انتخابی: شناسایی ۷ بُعد

۱,۵) کدگذاری باز

کدگذاری باز یا کدگذاری سطح ۱، فرایند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴). فرایند کدگذاری باز بدین صورت بوده است که پس از بررسی داده‌ها، برچسب‌زنی به رویدادها، رخدادها و استخراج مفاهیم، هر یک از این مفاهیم با یکدیگر مقایسه شده تا شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مشخص شود. این کار به منظور تشکیل مقوله‌ها صورت می‌پذیرد (Strauss & Corbin, 1998, pp.101-102).

هدف از کدگذاری باز، تجزیه و تحلیل مجموعه داده‌های گردآوری شده به کوچک‌ترین اجزای مفهومی ممکن است و این مرحله باز نامیده می‌شود؛ چرا که پژوهشگر بدون هیچ محدودیتی به نام‌گذاری مفاهیم می‌پردازد که در ابتدا برای نام‌گذاری و معنی‌دادن به داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. ممکن است شامل استفاده از واژه‌های خود شرکت‌کنندگان باشد. در طی فرایند کدگذاری و تحلیل هم‌زمان آن‌ها،

سوالاتی برای پژوهشگر ایجاد می‌شود که آن‌ها را از شرکت کنندگان بعدی می‌پرسد. به همین روش فرایند ساختن نظریه داده‌بنیاد تسهیل می‌شود. علاوه بر این، این سوالات جدید مبنایی برای ایجاد فرضیه‌ها و گزاره‌های بدیع هستند. از این منظر فرایند ساخت نظریه در داده‌بنیاد استقرایی و قیاسی است (Clarke, 2007, p.17). در کدگذاری باز بعد از هر مصاحبه و بازنویسی متن داده‌ها می‌بایست دو الی سه بار، جهت اطمینان کامل از محک کامل، داده‌ها مرور شوند. به عبارت دیگر کدگذاری باز به تجزیه و تحلیل جمله به جمله متن انجام می‌شود و در نهایت تعداد زیادی مفاهیم از متن‌ها استخراج می‌شود.

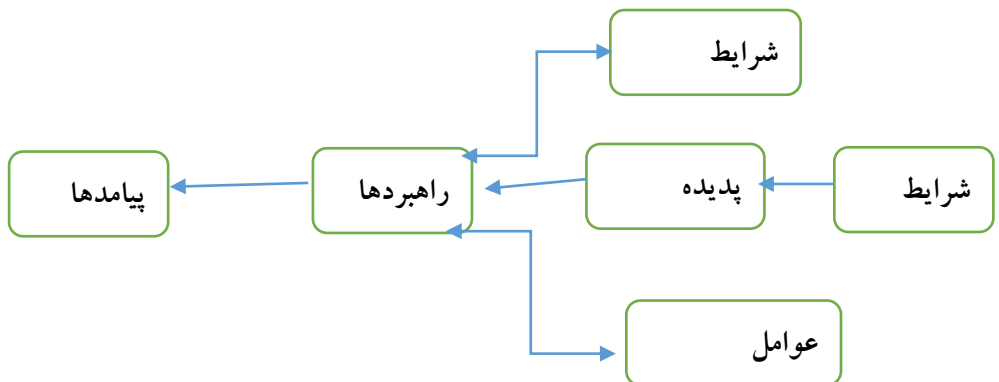
۲،۵) کدگذاری محوری:

مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، کدگذاری محوری می‌باشد؛ به تعبیری کدگذاری محوری یا سطح ۲ به دنبال کدگذاری باز است. هدف این مرحله برقراری رابطه بین مقوله‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز است. این فرآیند برای ایجاد ارتباط بین دسته‌ها و زیرمجموعه‌ها استفاده می‌شود و اجازه می‌دهد تا یک چارچوب مفهومی ظهور کند. با استفاده از یک مدل الگویی، روابط با تعیین علل، زمینه‌ها، حوادث غیرمترقبه، عواقب، کوواریانس و شرایط برقرار می‌شوند. در این مرحله ممکن است برخی از کدها که هیچ ارتباطی با موضوع ندارند، کنار گذاشته شوند. رابطه بین مفاهیم با مقایسه مداوم تأیید می‌شود و نظریه را قادر به توسعه می‌سازد. پژوهشگر سعی می‌کند تا با توجه عمیق به مفاهیم شناسایی شده، و تشخیص وجوه تشابه و افتراق آن‌ها با یکدیگر، دسته‌بندی کلی‌تری به نام مقوله را پدید آورد. به عبارت دیگر مفاهیم هم‌راستا، در دسته‌بندی کلی‌تری جاگذاری شود (قوامی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۲).

فرایند کدگذاری محوری بر تمرکز و تعیین یک مقوله به عنوان مقوله هسته‌ای یا مرکزی قرار داشته و سپس سایر مقولات به عنوان مقولات فرعی به آن ارتباط داده می‌شوند. پس از تعریف مقوله محوری، با کدگذاری مجدد داده‌ها انواع شرایط تاثیرگذار بر مقوله محوری شامل شرایط علی، زمینه‌ای و بستر، شرایط مداخله‌گر،

کنش‌ها و واکنش‌هایی که برای اداره، کنترل یا پاسخ به مقوله محوری به وجود می‌آیند (راهبردها)، و پیامدهای ناشی از آن‌ها نیز تعریف می‌شوند (دانیالی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۹). طی کدگذاری محوری، مقوله‌های مستخرج از کدگذاری باز تحت شش دسته شامل مقوله محوری، شرایط علی، شرایط واسطه‌ای، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها قرار گرفته‌اند. از بین مقوله‌های استخراج شده، مقوله «کیفیت زندگی شهروندان» به منزله مقوله محوری در نظر گرفته شده و در مرکز مدل پژوهش جای گرفته است. دلیل انتخاب این مقوله به منزله مقوله مرکزی این است که در اغلب داده‌ها ردپای آن را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. به عبارت دیگر اغلب پاسخ‌دهندگان اشاره داشته‌اند که کیفیت زندگی شهروندان (مقوله محوری) نیازمند سازوکارهایی خاص و متفاوت است و با روش‌ها و رویه‌های فعلی نمی‌توان به طور موفق مدل را به اجرا درآورد. بنابراین می‌توان این مقوله را در مرکز قرار داد و دیگر مقوله‌ها را به آن مرتبط نمود. برچسب انتخاب شده برای مقوله محوری نیز انتزاعی و در عین حال از جامعیت برخوردار است.

شکل شماره ۲: مدل پارادایمی کدگذاری محوری مقوله کدگذاری باز پارادایم کدگذاری محوری



۳,۵) کدگذاری انتخابی و ارائه مدل پارادایمی

کدگذاری انتخابی مرحله سوم و اصلی نظریه پردازی داده بنیاد است که بر اساس نتایج کدگذاری باز و محوری به ارائه مدل پارادایمی می پردازد. کدگذاری انتخابی، فرایند پالایش مقوله ها، یکپارچه سازی آن ها و نیز پیوند دادن مقولات به یکدیگر، دسته ها و زیرمجموعه ها به دسته اصلی است. این کدگذاری، ظهور نظریه را تسهیل می کند. بنابراین طبقه بندی نهایی با استفاده از ایده های برگرفته از مبانی نظری و نمونه گیری نظری قادر به تبیین فرآیندهای اجتماعی است (Clarke, 2007, p.18). پژوهشگر با توجه به مراحل قبلی، به استحکام بیشتر مفاهیم و مقوله ها می پردازد. در این مرحله در یک دسته بندی کلی تر، داده های سازماندهی شده در قالب مؤلفه های گوناگون و در ابعاد محدودتری دسته بندی می شوند. در این مرحله، وجوه مشترک مؤلفه های بدست آمده از مراحل قبلی، شناسایی و با توجه به اشتراکات آن ها در دسته بندی کلی تر و محدودتری قرار می گیرند (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵).

جدول شماره ۴: فرایند کدگذاری داده ها				
مقوله محوری	ابعاد	مؤلفه ها	مفاهیم	شاخص ها
امنیت ملی پایدار	توسعه اجتماعی	کیفیت زندگی	۵	بهبود وضعیت بهداشت-وضعیت سلامت-امید به زندگی-وضعیت سواد و تحصیلات-نشاط در زندگی-رضایت از زندگی
		امنیت انسانی	۱ ۲	نرخ رشد جمعیت-تراکم نسبی جمعیت به مساحت-آزادی از ترس و هراس-مدیریت حوادث طبیعی-جلوگیری از جنگ-فقرزدایی

ارتقای سطح رفاه ملی	۳	تامین سطح مناسب معاش و تضمین آن-ایجاد آرامش خاطر و عزت نفس در فرد، خانواده و جامعه- ایجاد امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی
فضای مجازی یا سایبری	۵	تقویت دفاع سایبری ملی- رشد شایستگی در حوزه فناوری تجاری و سایبری در سطح ملی- تخریب یا از کار انداختن زیرساخت و قابلیت‌های دشمن- مشارکت در تعیین هنجارهای سایبری و استانداردهای فنی بین‌المللی- انباشت ثروت و/یا استخراج رمزارز.
امنیت فناوری و اطلاعاتی	۶	نظارت و پایش در سطح داخل کشور- کنترل و دستکاری محیط اطلاعاتی (افکار عمومی در سطح داخل و خارج)- جاسوسی در سطح خارج کشور- نوآوری دیجیتال- فناوری‌های نوین
میزان دسترسی به کالاها و خدمات	۳	دسترسی اقتصادی به غذای اولیه- دسترسی آسان به غذای اولیه- عدالت اجتماعی
برابری فرصت‌ها	۴	مساوات‌خواهی- تبعیض مثبت- شایسته‌سالاری
ثبات اقتصادی	۷	رشد اقتصادی- توسعه سرانه ناخالص داخلی- تولید ناخالص ملی- توان

اقتصادی-تراز تجاری				
رکود شدید اقتصادی-تورم شدید	۵	تحمل بحران‌های اقتصادی		
رفع تبعیض در جامعه-رفع بی عدالتی	۳	کاهش شکاف طبقاتی		
رونق تولید-برنامه‌ریزی-کارایی-تأمین معاش مادی کافی	۶	کاهش فقر		
کارآفرینی-تولید ارزش افزوده	۴	تأمین کالاها و خدمات		
نرخ بیکاری-آمار دستمزدهای بخش غیرکشاورزی-میانگین درآمد هر ساعت نیروی کار-میانگین ساعات کار هفته	۴	اشتغال‌زایی		
خنثی نمودن تحریم‌های اقتصادی	۴	مقابله با تحریم‌های اقتصادی		
ساختار قدرت مناسب برای کشور	۷	قدرت هوشمندانه	بعد سیاسی	
همگرایی-انسجام سیاسی-مصالحه و آشتی سیاسی-بی‌طرفی سیاسی-وفاق ملی	۵	مشارکت سیاسی		
حکومت کارآمد-اقتدار سیاسی-عدالت اجتماعی-منافع مشترک	۶	مشروعیت سیاسی		
شایسته‌سالاری-عدالت سیاسی	۴	اعتماد شهروندان به حکومت		

توانمندسازی جامعه مدنی- تقویت نهادهای دموکراتیک	۵	فعالیت احزاب سیاسی		بعد فرهنگی
ارتقای جایگاه واحد سیاسی در نظام بین الملل- عضویت در سازمان های منطقه ای و بین المللی	۴	تخفیف تأثیر سیاست های قدرت های بزرگ		
جایگاه کشور در نظام بین الملل - ساختار سیاسی یکپارچه	۷	حفظ استقلال		
استقرار یک نظام سیاسی واحد برای کل کشور- نقش حکام در نظام سیاسی- تعامل سازنده با همسایگان - تعامل سازنده با کشورهای جهان	۶	حفظ حاکمیت		
تعامل سازنده با همسایگان - تعامل سازنده با کشورهای جهان	۴	همزیستی مسالمت آمیز		
تقویت میراث گذشته- تقویت قدرت نرم	۵	رفع تهدیدات فرهنگی		
حس تعلق- وفاداری- احساس قوی دلبستگی- اسطوره سازی ملی- سرنوشت ملی- تمایل به عضویت در جامعه	۷	هویت ملی		
سبک زندگی- تعهد به حفظ جامعه- پذیرش دیگران به عنوان هم وطن	۴	فرهنگ ملی		
آرمان های فرهنگی- فعالیت های فرهنگی	۷	حفظ ارزش ها		
مدارای مذهبی	۹	مذهب		
زبان مشترک	۳	حفظ الگوهای زبانی		

بعد نظامی	قدرت بازدارندگی	۸	قدرت دفاعی مؤثر و مناسب- انجام اقدامات تلافی جویانه سخت- توانمندی نظامی- شناسایی مهاجم و قدرت وی
	مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی	۴	نیروی انسانی- بودجه دفاعی، دکترین، آموزش و سازمان دهی- ظرفیت نوآوری- صنایع نظامی- زیرساخت نظامی، تهدیدها و استراتژی ها- ذخایر و پشتیبانی رزمی
	صنایع نظامی و دفاعی	۴	امکانات نظامی پیشرفته- آموزش نیروهای نظامی- سازماندهی نیروی نظامی
	حفظ تمامیت ارضی	۲	حفظ یکپارچگی سرزمینی- دفاع از سرزمین در مواقع تهاجم
	زیرساخت های نظامی	۵	بودجه نظامی- امکانات دفاعی
بعد جامعه‌وی	هویت ملی	۱ ۳	زبان و ادبیات فارسی- تاریخی- سرزمینی- فرهنگ و میراث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
	مدیریت منازعات قومی	۳	هویت قومی- همگرایی
	اعتماد اجتماعی	۵	اعتماد بین فردی- اعتماد مدنی یا اعتماد نهادی
	تعاملات اجتماعی	۶	حس تعلق- مسئولیت پذیری- مشارکت در فعالیت های اجتماعی- مشارکت در فعالیت های محلی

همگرایی اخلاقی	۳	انسجام اجتماعی- حل شکاف‌های داخلی
جلوگیری از ناهنجاری اجتماعی	۶	کاهش آسیب‌های احتمالی از قبیل طلاق-خودکشی-سرقت-زورگیری-
برخورد با جرائم سازمان‌یافته	۴	دفاع از حق مردم- مقابله با زورگیری‌ها
مصرف بهینه انرژی	۳	تولید و مصرف انرژی‌های تبدیل‌شونده-منابع تجدیدپذیر
مبارزه با آلاینده‌ها	۵	کیفیت هوا-آلودگی صوتی-بهداشت شغلی
تغییرات اقلیمی	۵	بازشدن یخ‌های قطبی-بحران آب(حکمرانی آب)
کنترل جمعیت	۴	میزان مرگ و میر افراد جامعه-میزان زاد و ولد-ازدواج و طلاق-هرم سنی جمعیت
اگروتوریسم	۸	خشک شدن بسیاری از اراضی-پرواز ریزگردها-کاهش سطح دریاچه‌ها- کاهش وسعت جنگل‌ها- افزایش بیابان‌ها و سطح کویری کشور
بیوتوریسم	۱ ۲	مستولی شدن ترس و واهمه شدید بر جامعه، بیماران، کارکنان بهداشتی و عموم مردم-پاسخ‌های روانی مردم به‌صورت وحشت، عصبانیت- نگرانی‌های بی‌مورد در مورد عفونت، ترس از سرایت بیماری، خیالات‌واهی،

بعد زیست‌محیطی

جد شدن از اجتماع و روی آوردن به کارهای غیراخلاقی				
	۲ ۵۴	۴۷	۷	جمع

به طور خلاصه در کدگذاری انتخابی، مقوله‌های احصاء شده در مراحل قبلی به یکدیگر ربط داده شده و روابط بین آن‌ها بررسی می‌شود. این امر، همان فرآیند کشف نظریه و ظهور نظریه است، یعنی یافتن سازه‌ها، مرتبط ساختن آنها و بررسی ماهیت این رابطه‌ها. نمودار زیر، این روابط را در قالب مدل پارادایمی نشان می‌دهد. در مدل پارادایمی داده‌بنیاد، شرایط علی بر پدیده محوری، عوامل مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و مقوله محوری بر راهبردها و راهبردها بر پیامدها تأثیرگذارند. بنابراین، مدل پارادایمی امنیت پایدار در چارچوب حکمرانی خوب با استفاده از نظریه داده‌بنیاد مدلی است که موارد زیر را مشخص می‌نماید:

الف) مقوله‌های علی: وقایع و عللی هستند که به ایجاد یا رشد و گسترش پدیده‌ای می‌انجامند و حاصل شرایط علی یا شرایط مقدم هستند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۴، ص ۲۵). به عبارتی این شرایط را مجموعه‌ای از مقوله‌ها به همراه شاخص‌هایشان تشکیل می‌دهند و باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، شرایط علی اثرگذار بر پدیده امنیت ملی پایدار شامل سه بعد، ۱۹ مؤلفه و ۸۹ مفهوم می‌باشد که در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

ب) شرایط بستر ساز: شرایط خاصی هستند که بر راهبردها و استراتژی‌ها اثرگذارند و به مقوله‌های محیطی معروف هستند (همان) و در کنترل بوروکراسی‌ها نبوده ولی آگاهی از آن‌ها می‌تواند به واکنش مناسب و درک چرایی برخی رویدادهای مرتبط با پدیده اصلی و تعیین راهبردهای مناسب منجر شود (الصاق و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۷۱۰). براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، شرایط

بسترساز و زمینه‌ای اثرگذار بر پدیده امنیت ملی پایدار شامل دو بعد، ۱۳ مؤلفه و ۸۱ مفهوم می‌باشد که در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

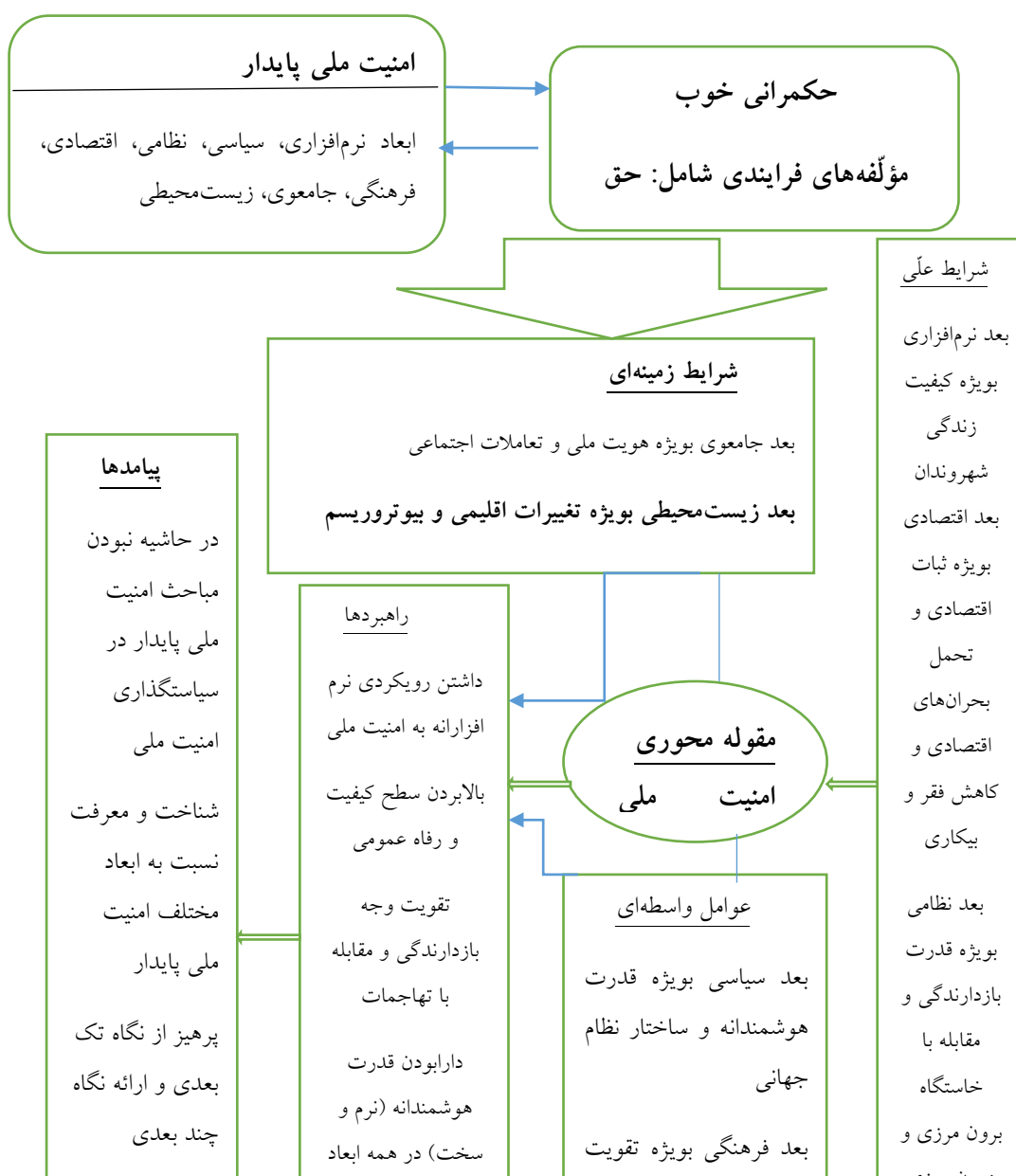
ج) عوامل مداخله‌ای: شرایط خاصی هستند که بر راهبردها تأثیرگذارند و به مقوله‌های واسطه‌ای یا میانجی معروف هستند؛ و برخلاف شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر تحت کنترل بوروکراسی‌ها قرار می‌گیرند و بر انتخاب راهبردها مؤثر هستند. از این رو می‌توانند انتخاب راهبردها یا اجرای اقدام‌ها را تسهیل و تسریع نمایند (محمدیان و خدادادپرمی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲). براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، شرایط مداخله‌گر یا واسطه‌ای اثرگذار بر پدیده امنیت ملی پایدار شامل دو بعد، ۱۵ مؤلفه و ۸۳ مفهوم می‌باشد که در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

د) راهبردها و استراتژی‌ها: راهبردها کنش‌های هدفمندی هستند که راه‌حل‌هایی برای پدیده مورد نظر فراهم می‌سازند و منجر به ایجاد پیامدها و نتایج می‌شوند. راهبردها مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مورد نظر هستند و باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که به شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر واکنش درستی نشان دهند. براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، راهبردهای اثرگذار بر پدیده امنیت ملی پایدار شامل داشتن رویکردی نرم افزارانه به امنیت ملی و بالابردن سطح کیفیت و رفاه عمومی، تقویت وجه بازدارندگی و مقابله با تهاجمات خارجی و داخلی، دارا بودن قدرت هوشمندانه (نرم و سخت) در همه ابعاد می‌باشد که در مدل کیفی پژوهش ارائه شده است.

هـ) مقوله‌های پیامدی: پیامدها نتایجی هستند که از راهبردها و کنش‌های مربوط به پدیده مورد نظر حاصل می‌شوند؛ و به نتایج مورد انتظار از اجرای راهبردها توجه می‌شود. براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، پیامدهای پدیده امنیت ملی پایدار شامل در حاشیه نبودن مباحث امنیت ملی پایدار در سیاستگذاری امنیت ملی، شناخت و معرفت نسبت به ابعاد مختلف امنیت ملی پایدار، پرهیز از نگاه تک‌بعدی و

ارائه نگاه چندبعدی، افزایش امنیت ملی پایدار می‌باشد که در مدل کیفی پژوهش ارائه شده است.

شکل شماره ۳: مدل کیفی پژوهش؛ الگوی پارادایمی امنیت ملی پایدار در چارچوب حکمرانی خوب (مأخذ: یافته‌های پژوهش)



پس از طراحی مدل به منظور ارزیابی و اعتبارسنجی آن، چندبار متن مصاحبه‌ها بازنگری شد و سپس ۵ نفر از خبرگان و اساتید مشارکت‌کننده در مصاحبه، انتخاب و الگو برای آن‌ها ارسال و تأیید شد. همچنین ۴۵ (۴۵) ارزیابی و تأیید مدل پژوهش برای بررسی اجماع، ضریب هماهنگی کندال با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه شد. مقوله‌هایی که رتبه کمتر از میانگین داشتند، حذف و غربال شدند. پس از بازبینی نظر خبرگان و پاسخ به مصاحبه‌ها، مقدار ضریب کندال به دست آمده معادل ۰/۸۴۵ می‌باشد که بیانگر اتفاق نظر بیش از ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان و تأیید مدل طراحی شده است (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۵: نتایج آزمون ضریب توافق کندال				
آماره آزمون (ضریب هماهنگی کندال)	Sig	تعداد	Df	آماره کای اسکوئر(کای دو) Chi-Square
۰/۸۴۵	۰۰۰/۰	۵	۵	۷۵/۵۱۴

۵.۵) اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های آن

پس از گردآوری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون فریدمن به اولویت‌بندی ابعاد مدل (شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها) پرداخته شد. آزمون فریدمن معادل ناپارامتریک تحلیل واریانس دو عامله است که به بررسی یکسان بودن مؤلفه‌های یک متغیر می‌پردازد. همچنین در آزمون

فریدمن مؤلفه‌های مختلف یک متغیر رتبه‌بندی می‌شوند. نتایج آزمون فریدمن در این پژوهش نشان می‌دهد که بعد نرم‌افزاری امنیت ملی پایدار با میانگین ۳/۱۰۵ در میان تمامی مؤلفه‌های مربوط به ابعاد از اهمیت بالاتری برخوردار است. ابعاد اقتصادی و سیاسی به ترتیب با میانگین ۳/۰۴۸ و ۲/۹۶۹ در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار دارند. ابعاد نظامی و فرهنگی با میانگین ۲/۸۶۵ و ۲/۸۲۸ در رتبه‌های بعدی و در نهایت بعد زیست‌محیطی با میانگین ۲/۵۰۲ قرار دارد.

جدول شماره ۶: اولویت بندی ابعاد امنیت پایدار با استفاده از آزمون فریدمن (مأخذ: یافته‌های پژوهش)			
رتبه (اولویت)	سطح معناداری	میانگین	ابعاد
۱	۰/۰۰۰	۱۰۵/۳	مؤلفه‌های بعد نرم‌افزاری
۴	۰/۰۰۰	۸۶۵/۲	مؤلفه‌های بعد سیاسی
۳	۰/۰۰۰	۹۶۹/۲	مؤلفه‌های بعد نظامی
۲	۰/۰۰۰	۰۴۸/۳	مؤلفه‌های بعد اقتصادی
۶	۰/۰۰۰	۶۲۷/۲	مؤلفه‌های بعد جامعه‌وی
۷	۰/۰۰۰	۵۰۲/۲	مؤلفه‌های بعد زیست محیطی
۵	۰/۰۰۰	۸۲۸/۱	مؤلفه‌های بعد فرهنگی

		۲	
--	--	---	--

۶. قضایای نظری پژوهش

قضایای نظری، بیانگر روابط تعمیم‌یافته بین یک طبقه و مفاهیم آن با طبقات معین است. قضیه‌ها، متضمن روابط مفهومی هستند، در حالی که فرضیه‌ها مستلزم روابط سنجش‌پذیر می‌باشند؛ چون رویکرد نظریه داده‌بنیاد روابط مفهومی تولید می‌کند نه سنجش‌پذیر، لذا به‌کارگیری اصطلاح قضایا «مرجّح» است. در قسمت قضایا رابطه بین طبقات اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهشگران برای تبدیل پژوهش کیفی به پژوهش کمی قضایای پژوهشی (که سازه، عناصر سازنده آن‌هاست) را به فرضیه‌ها (که متغیرها، عناصر سازنده آن‌هاست) تبدیل می‌کنند تا زمینه آزمون آن‌ها به صورت کمی فراهم گردد. در قسمت فرضیه‌ها باید رابطه طبقات فرعی با هم بررسی شود (دانایی‌فرد و اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). در این پژوهش برای فرآیند کدگذاری انتخابی چندین قضیه نظری بر اساس روایت پژوهش و ترسیم مدل پارادایمی امنیت ملی پایدار در چارچوب حکمرانی خوب با رویکرد نظریه داده‌بنیاد مطرح می‌گردد:

قضیه ۱: در مدل پارادایمی امنیت ملی پایدار در پرتوی حکمرانی خوب، شاهد افزوده شدن و مسلط شدن وجه نرم‌افزاری امنیت، علاوه بر وجه سخت‌افزاری آن هستیم. در این مدل، با پذیرش متکثر و گسترده بودن گزاره‌های چالش‌ساز و همچنین، وجوه نرم‌افزاری امنیت که در رویکرد متأخر مطرح است، بر مؤلفه‌هایی همچون: کیفیت زندگی، امنیت انسانی، ارتقای سطح رفاه ملی، دسترسی فیزیکی به غذای اولیه، برابری فرصت‌ها، کاهش فقر برای نیل به مراتب بالاتری از حکمرانی خوب تأکید می‌شود.

قضیه ۲: در پژوهش حاضر کیفیت زندگی شهروندان به عنوان مقوله محوری در بعد نرم‌افزاری مباحث امنیت پایدار تلقی شده و این مفهوم متضمن حاکمیت شرایطی است که دولت‌ها به حقوق شهروندی احترام بگذارند. در این نگاه، امنیت انسانی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها جهت رسیدن به درجات قابل‌اتکایی از ثبات است. از این رو توسعه و پایداری امنیت نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است و می‌توان چرخه

ای را تصور کرد که فقر و کاهش سایر مؤلفه‌های مرتبط با امنیت انسانی منجر به ناامنی، و ناامنی موجب توسعه نیافتگی و بی‌ثباتی در جامعه خواهد شد.

قضیه ۳: در بعد ابعاد و مؤلفه‌ها، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بعد نرم‌افزاری امنیت ملی پایدار با میانگین $3/105$ در میان تمامی مؤلفه‌های مربوط به ابعاد از اهمیت بالاتری برخوردار است. ابعاد اقتصادی و نظامی به ترتیب با میانگین $3/048$ و $2/969$ در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار دارند. ابعاد سیاسی و فرهنگی با میانگین $2/865$ و $2/828$ در رتبه‌های بعدی و در نهایت بعد زیست‌محیطی با میانگین $2/502$ قرار دارد.

قضیه ۴: به نظر می‌رسد طیف جدید نیازمندی‌های انسان معاصر در عصر پسامادی‌گرایی و حاکمیت اندیشه‌های پست‌مدرن، جهانی‌اندیشیدن سوژه محلی و همچنین، محلی و بومی‌شدن اندیشه هژمونیک جهانی، گواهی بر زوال و ناکارایی تدابیر یک‌سویه، نظامی و قهری سنتی است که فراهم‌کننده امنیتی پایدار در عرصه ملی نخواهد بود. گفتمان امنیت ملی پایدار درصدد رسیدن به درجات قابل اتکایی از امنیت در سطح ملی و بین‌المللی است. از این منظر، کشوری از امنیت پایدار برخوردار خواهد بود که نه فقط در کوتاه‌مدت، بلکه در پروسه زمانی بلندمدت، توانایی پاسخگویی به نیازهای مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در عرصه داخلی و خارجی را داشته باشد. پس بنابراین، با ظهور «بازیگران قدرتمند»، «بحران‌های مالی» و «انقلاب اطلاعات و ارتباطات» تهدیداتی نوین ظاهر شده است. حاصل تغییر گفتمان و مرجع امنیت و الزام دولت‌ها به تغییر در رویکرد و راهبرد امنیتی به امنیت پایدار بوده است.

قضیه ۵: افراد و گروه‌ها در رویکرد مذکور از جایگاه و نقش برجسته‌ای برخوردارند و امنیت در چارچوب رضایت‌مندی قابل حصول است. از این منظر، مؤلفه‌هایی که در برقراری امنیت مدنظر قرار می‌گیرد، تاحدی متفاوت از موارد پیشین است. از مهمترین مواردی که در این زمینه بدان تأکید می‌شود، اعتماد اجتماعی نسبت به نظام سیاسی است که مشروعیت و مشارکت سیاسی را به همراه خواهد داشت.

قضیه ۶: هدف از حکمرانی خوب ایجاد بسترهای مناسب برای تأمین امنیت و منافع ملی و پیشگیری از وقوع بحران‌های سیاسی است. نتیجه بروز بحران در هر

کشوری بر هم خوردن ثبات سیاسی و نهایتاً از بین رفتن امنیت ملی است؛ نکته دیگر اینکه، هنر مدیریت حکمرانان این است که علاوه بر فرصت‌سازی، تهدیدات را نیز به فرصت تبدیل کنند. به یقین، کارویژه حکمرانی مطلوب ارتقاء مشارکت عمومی، ایجاد فضای رقابت سیاسی آزاد، برابری و افزایش انسجام ملی است؛ لذا حکمران آگاه و با تدبیر، بایستی با رصد مسائل ملی، منطقه‌ای و جهانی مترصد شکار موقعیت‌های ناب باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر به دنبال طراحی و تبیین مدل پارادایمی امنیت ملی پایدار در چارچوب حکمرانی خوب بوده است. برای تحقق هدف اصلی تحقیق با استفاده از روش داده‌بنیاد یا گراند تئوری (Grounded Theory) و رویکرد «نظام‌مند» سه مرحله‌ای اشتراوس و کوربین از روش کدگذاری باز، انتخابی و نظری استفاده گردید. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها پس از تحلیل تفصیلی و مقایسه‌های مستمر براساس تشابه‌های معنایی، به سطح انتزاعی‌تری ارتقا پیدا کردند و با توجه به راهنمایی استادان و خبرگان، در نهایت در هفت بُعد اصلی قرار گرفتند. محقق با عنایت به اینکه مفاهیم مختلف شکل گرفته چه مضامین مشترکی را القا می‌نمایند آن‌ها را به طبقات خاص تخصیص داده و در حقیقت یک فرایند استقرایی که از داده‌های خام به سمت شاخص‌ها، مفاهیم و طبقات انتزاعی حرکت می‌کند و به طور طبیعی از بستر داده‌ها ظهور یافته، در این طبقه‌بندی مشاهده می‌شود. مرور مکرر داده‌ها، کدها و طبقات پدیدار شده، یادآور نویسی‌ها و دیاگرام‌هایی که در طول تحلیل داده نوشته می‌شد و نوشتن داستان اصلی، کمک کرد تا محقق متغیر اصلی مطالعه را مشخص نماید. در نهایت برای استنتاج مدل نهایی بر اساس مقوله محوری و ابعاد (مقوله‌ها)، مؤلفه‌ها (مفاهیم) و کدهای (شاخص‌های) بدست آمده، مدلی پارادایمی ارائه گردید. مهم‌ترین نوآوری پژوهش حاضر در زمینه روش‌شناختی است. مسئله اصلی این است که تاکنون پژوهشی در زمینه امنیت ملی پایدار در پرتوی حکمرانی خوب با روش نظریه داده‌بنیاد در ایران انجام نشده است. این در حالی است که مطالعات تجربی جدی با این روش در زمینه امنیت ملی پایدار از ضرورت فراوانی برخوردار است.

برای حیات پایدار هر اجتماع، امنیت پایدار شرط لازم و به تعبیری دیگر، یک سرمایه تلقی می‌شود و به همین دلیل، شناخت و طراحی منظومه امنیت ملی برپایه دانش و تفکر صحیح، به کارکردی حیاتی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری راهبردی تبدیل شده است. به تعبیر دیگر، تفکر نظام‌مند و دوراندیشی در مورد امنیت ملی پایدار، یکی از مؤلفه‌های نظام برنامه‌ریزی راهبردی است که در پرتو آن، پلی از وضعیت حال به آینده‌های کوتاه یا بلندمدت ترسیم می‌گردد. در پرتو شناخت آینده و افق‌های امنیتی است که می‌توان ضمن درک صحیح وضعیت تهدیدها و فرصت‌ها، ظرفیت‌های ملی را به منظور تأمین اطمینان‌بخش امنیت ملی به کار گرفت و تحرک بخشید. اگرچه امنیت ملی پایدار همانند مفهوم توسعه پایدار مفهومی نسبتاً جدید است و پژوهش‌های مختلف و در عین حال محدودی در مورد ماهیت، ابعاد، سطوح، ویژگی‌ها و شاخص‌های آن صورت گرفته است، اما پژوهشی جامع که به لحاظ نظری به تبیین مفهوم امنیت پایدار در پرتوی حکمانی خوب پرداخته و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد انجام نشده است. از این‌رو به نظر می‌رسد به دلیل جدیدبودن طرح مفهوم امنیت پایدار در چارچوب حکمرانی خوب هنوز ابهامات نظری زیادی وجود دارد و ضرورت دارد پژوهش‌های دیگری در خصوص تبیین نظری امنیت پایدار و شاخص‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر آن و در نهایت ارائه مدل‌های منطقی مبتنی بر یافته‌های پژوهش در این خصوص صورت پذیرد.

فهرست منابع

الف: فارسی

- اشتراوس و کوربین (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشتراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- بی، ارل (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، جلد اول، تهران: سمت.
- بوزان، باری، الی ویور و پاپ دووید (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بهادری، علی (۱۳۹۷). «پژوهش کیفی داده‌بنیاد، کدگذاری، مراحل و شیوه اجرای آن در کارورزی دانشگاه فرهنگیان»، دوفصلنامه راهبردهای نوین تربیت معلمان، سال چهارم، شماره ۵.
- بیات، بهرام (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی امنیت ملی، تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

داراب‌نیا، حسین کریمی فرد، جهانبخش مرادی و علی بختیارپور (۱۴۰۱). « بررسی رابطه میان شاخص‌های حکمرانی خوب و امنیت انسانی در ایران»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۲، زمستان.

دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸). چالش‌های مدیریت دولتی در ایران، تهران: سمت، چاپ دوم.

دانایی‌فرد، حسن و سیدمجتبی امامی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، اندیشه مدیریت راهبردی.

دانایی‌فرد، حسن و آذر اسلامی (۱۳۹۰). ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی: کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده‌بنیاد در عمل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

دانیالی ده‌حوض، محمود، سیدمحسن علامه و علی صفری (۱۳۹۷). «طراحی الگوی مدیریت جانشین‌پروری با رویکرد داده‌بنیاد»، پژوهش‌نامه مدیریت تحول، سال دهم، شماره ۱۹، بهار و تابستان.

ربیعی، علی (۱۳۸۳). مطالعات امنیت ملی، تهران: وزارت امور خارجه.

سردارنیا، خلیل‌الله و دیگران (۱۳۸۸). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۶۰-۲۵۹.

شاپوری، مهدی. موسی شفایی، مسعود و سلطانی نژاد، احمد (۱۳۹۶). «نسبت امنیت و توسعه؛ الزامات سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره ۲.

شاه‌محمدی، محمد (۱۴۰۲). «نسبت حکمرانی و پایداری امنیت ملی جمهوری اسلامی»، فصلنامه حکمرانی متعالی، شماره ۱۴، تابستان.

صادقی جقه، سعید (۱۴۰۰). «سیاست‌زدگی و حکمرانی امنیت ملی؛ روندها، الگوها و پیامدها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و چهارم، شماره اول، بهار.

الصاق، شکیبا، حسن گیوریان، محمدرضا ربیعی و مینا جمشیدی (۱۴۰۰). «پیچیدگی شناسایی مسایل عمومی در ایران با رویکرد داده‌بنیاد»، فصلنامه راهبرد، سال سی‌ام، شماره چهارم، اسفند.

صحرائی، علیرضا و محمودی‌نیا، امین (۱۳۹۷). «الگوی حکمرانی خوب: چهارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دوران هاشمی رفسنجانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۸ (پیاپی ۲۸).

طاهری عطار، غزاله (۱۳۸۹). الگوی ملت سازی در پرتوی حکمرانی خوب، رساله دکترای مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

عباس‌زاده، هادی و کامران کرمی (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول، بهار.

فلیک، اووه (۱۴۰۱). نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، ترجمه الهام ابراهیمی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت تهران : مرکز تحقیقات استراتژیک و دانشگاه آزاد اسلامی.

قوامی لاهیجی، شیوا، حمیدرضا میرایی، مهدی باقری و سراج‌الدین محیی (۱۳۹۹). «طراحی الگوی فرایندی بازاریابی محتوا با تمرکز بر رسانه‌های اجتماعی (رویکرد کیفی)، مدیریت کسب‌وکار، شماره ۴۷، اسفند.

کریمی مله، علی (۱۳۹۱). «تأملی نظری در نسبت حکمرانی خوب و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان.

ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محمدیان، ایوب و مریم خدادادبرمی (۱۳۹۹). «تبیین فرایند شکل‌گیری قابلیت شبکه‌ای در سازمان‌های دولتی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد»، فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۱۲، بهار.

مهرابی، امیر، حسین خنیفر، علی‌نقی امیری، متین زارعی و غلامرضا جندقی (۱۳۹۰). «معرفی روش‌شناسی داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی»، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال ۹، شماره ۲۹.

میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۸). حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نصری، قدیر (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی امنیت ملی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲ (پیاپی ۲۸).

نصری، قدیر (۱۳۸۷). مبانی هویت ایرانی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵). راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران: سمت.

ب: انگلیسی

Azeez, Ademola (2012), "Endangering good governance for sustainable democracy: the continuing Struggle against corruption in Nigeria", Journal of Research in, gender and Development, December(307-314).

Buzan, B & Hansen, L. (2007); International Security, Vo III: Widening Security, SAGE Publications, London: New Delhi, Singapore.

Clarke, A. E., and Friese, C (2007) Grounded Theorizing using situational analysis, The Sage Handbook of Grounded Theory, pp.363-397.

Collins, A. (1997); The Security Dilemma and The End of The Cold War, Edingburg: Keele University Press and New York: St, Martins Press.

Glaser, B. and Strauss, A.L. (1961) *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, New York: Aldine de Gruyter.

Huther, Jeff and Shah, Anwar (1998); World Bank, *Applying a Simple Measure of Good Governance to the Debate on Fiscal Decentralization*, pp.1-28

Kolodziej, Edward (1992); "Renaissance in Security Studies", *International Studies Quarterly*, Dec. 3

Krause, K & Williams M. (1996); "Broadening the agenda of security study", *International Security Review*, Vol.40, No.2. *Management Journal*, 49(4): 633–642.

Moller, B. (2000); "The concept of security: the pro and cons of Expansion and Contraction" Available at: www.Ciaonet.org/article/security.

Suddaby, Roy (2006). *From The Editors: What Grounded Theory is Not*. *Academy of Management Journal*, 49(4): 633–642.

Lincoln, Y.S. & E. Guba. 1985. *Establishing Trustworthiness, Naturalist Inquiry*. Newbury Park, LA, Sage.

Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (2011), *Basics of Qualitative Research Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.